

## نقش پیش‌بین سبک‌های هویت و پنج عامل شخصیت در تعارضات

### زناشویی زوجین ۲۰ تا ۴۰ ساله

شهناز محمدی<sup>۱</sup>، تینا باباپور<sup>۲</sup>، فرشید علی‌پور<sup>۳</sup>

دریافت مقاله: ۹۲/۶/۲۵ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش‌بین سبک‌های هویت و پنج عامل شخصیت در تعارضات زناشویی زوجین ۲۰ تا ۴۰ ساله بود. روش تحقیق توصیفی همبستگی بود، ۱۲۰ نفر (۶۰ مرد، ۶۰ زن) با نمونه‌گیری هدفمند و لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند، از پرسش‌نامه‌های هویت برزونسکی، شخصیتی نئو فرم کوتاه و تعارضات زناشویی براتی و ثنایی برای گردآوری اطلاعات استفاده گردید، برای تجزیه تحلیل داده‌ها نیز از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج نشان داد که از میان پنج عامل شخصیت، سازگاری، وظیفه‌شناسی و نوروژ گرای توانایی معناداری در پیش‌بینی تعارضات زناشویی داشتند، همچنین از میان سبک‌های هویت نیز سبک هویت اطلاعاتی توانایی معناداری برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی داشت. از یافته‌های پژوهش می‌تواند در برنامه‌های درمانی و پیش‌گیری برای کاهش تعارضات زناشویی بهره گرفت. کلیدواژه‌ها: سبک‌های هویت، پنج عامل شخصیت، تعارضات زناشویی.

۱. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Smohammadivv@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

## مقدمه

عوامل زیادی می‌توانند کیفیت روابط بین زن و شوهر را تحت تأثیر قرار دهند یکی از این عوامل تعارضات زناشویی است. تعارضات زناشویی را می‌تواند به‌عنوان یک حالت تنش و استرس بین زوجین محسوب کرد. گاهی یکی از زوجین از زندگی خود رضایت دارد اما دیگری در نارضایتی به سر می‌برد. زن و شوهر با عقاید، ارزش‌ها، نیازها، تمایلات و عادت‌های متفاوتی می‌باشند که در کنار یکدیگر قصد ادامه زندگی را دارند، با توجه به رسانه‌های ارتباط‌جمعی که امروزه در تمامی جوانب زندگی نفوذ کرده‌اند تعارضات زناشویی گاهی اجتناب‌ناپذیر است (تورولونلک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴) تعارضات زناشویی پدیده‌های است که در کشورهای درحال توسعه روزبه‌روز بیشتر می‌شود و توجه روزافزونی را می‌طلبد این پدیده عواقب متعددی مانند کاهش بازده تحصیلی فرزندان، خشونت‌های فیزیکی، اختلالات روان‌پزشکی ارتباط دارد (موکاسما و سائسفورد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) این پدیده رابطه قدرتمندی با پرخاشگری، بزهکاری، رفتارهای پرخطر و اعتیاد در فرزندان دارد (اسچوبل، روت، الیوت، چین، مراگ، شیپ و اچاستر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). تعارضات زناشویی با تولد فرزند، اختلاف مذهب، اختلاف خلق‌وخو و با تفاوت در عقاید و هدف‌ها می‌تواند به وجود آید و یا حتی تشدید شود. تعارضات زناشویی ریسک فاکتور سلامت روان ضعیف در زوجین و فرزندان است (ایگبو، گریس، کریستیان<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵) هنوز مکانیسم‌های زیربنایی این تأثیر به‌خوبی مشخص نشده است (گئورگ، فایرچیلد، مارک کامینگز و دیویس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). یکی از عواملی که با تعارضات زناشویی مرتبط است شخصیت است، شخصیت از عوامل تعیین‌کننده‌ی واکنش‌های ماتحت شرایط استرس آمیز است شخصیت به‌عنوان شیوه‌ی فکر، احساس و رفتار که ما را از دیگران متمایز می‌کند تعریف شده است (شویتا و

---

.Tolorunleke  
.Mukashema, & Sapsford  
.Schwebel, Roth, Elliott, Chien, Mrug, Shipp, Schuster  
.Igbo, Grace, Christiana  
.George, Fairchild, Mark Cummings, Davies

لونسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷)، شخصیت با تفاوت‌هایی که در هیجان و شناخت باعث می‌شود، می‌تواند از عوامل مستعد کننده ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی محسوب شود (فاولس، ۱۹۹۴؛ به نقل از علی پور، حسنی، سعید پور، ۱۳۹۴). شخصیت می‌تواند عامل مهمی در شرایط پراسترس باشد و موجب پاسخ‌های متفاوتی بشود، «شوینا» بر این نکته تأکید دارد که رضایت و تعارضات زناشویی بیشترین تأثیر را از ویژگی‌های شخصیتی دریافت می‌کند؛ و شناخت هر چه بیشتر تیپ شخصیتی خود و همسر از جمله عواملی است که می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی مفید واقع شود (شوینا و لونسون، ۲۰۰۷). پیوند میان ویژگی‌های شخصیتی زوجها با میزان سازگاری آن‌ها در روابط زناشویی‌شان به این دلیل است که جنبه‌ها یا ابعادی از ویژگی‌های روانی-شخصیتی افراد می‌تواند به‌سان یک عامل تنش‌زا در لحظه‌لحظه زندگی و روابط زناشویی آن وارد عمل شود. از طرف دیگر هر یک از ویژگی‌های افراد، الگوهای خاص رفتاری و عملکردی را تحمیل می‌کند. مدل پنج عامل شخصیت نیز یکی از مدل‌های شخصیتی است که در تعارضات زناشویی موردبررسی و پژوهش قرار گرفته است (ایگبو و همکاران، ۲۰۱۵). درمجموع الگوی پنج عامل شخصیت، یک سنخ شناسایی فراگیر و دربرگیرنده پنج عامل نسبتاً پایدار گشودگی در برابر تجربه، وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، سازگاری و نوروز گرایی است (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۹) این مدل شخصیتی در پژوهش‌های قبلی برای بررسی تعارضات زناشویی و پیامدهای تعارضات زناشویی مانند مشکلات تحصیلی، رفتاری و روان‌شناختی کودکان موردبررسی قرار گرفته است (وریجموت، مونبالیو، لاگاست و پرینزی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). شخصیت می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد و سازگاری ما داشته باشد (محمدی، مقصودی، ۱۳۹۰). حتی شخصیت در بیماری‌های پزشکی نیز مؤثر است و از عوامل آسیب‌پذیری جهت ابتلا به بیماری‌های پزشکی است (علی پور، حسنی، سعید پور، نشریه، ۲۰۱۵)، در

.Shiota & Levenson  
.Vrijmoeth, Monbaliu, Lagast, Prinzie,

پژوهش‌های قبلی رابطه بین ابعاد پنج عامل شخصیت و سلامت روان مورد بررسی قرار گرفته است که مشخص گردیده نوروز گرایی و برونگرایی توانایی پیش‌بینی سلامت روان را دارا می‌باشند (محمدی ۱۳۸۶)، نوروز گرایی و برونگرایی ارتباط زیادی با مشکلات روان‌شناختی مانند اضطراب و افسردگی دارد، برای مثال نوروز گرایی با اضطراب و افسردگی رابطه مثبتی دارد که همین عامل می‌تواند به‌عنوان ریسک فاکتوری برای شروع و یا تشدید تعارضات زناشویی باشد (امیری، فرهودی، عبدلولوند و بیدا کاویدی، ۲۰۱۱).

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تعارضات زناشویی، هویت است (حسینی، ۱۳۸۸). هویت یک رویداد مهم در رشد شخصیت هر فردی است و ترکیبی است از مهارت‌ها و باورها و همانندسازی‌های دوران کودکی که در واقع بنیادی برای رشد روانی اجتماعی و ارتباطات بین فردی است. سبک هویت مربوط است به اینکه چگونه افراد به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و از آن‌ها استفاده می‌کنند، سبک هویت، معرف راهبرد مسئله یا سازوکار مقابله است، سه سبکی که برزونسکی<sup>۱</sup> به معرفی آن‌ها پرداخت، عبارت‌اند از: ۱- سردرگمی/ اجتنابی ۲- هنجاری شده ۳- اطلاعاتی است (برزونسکی، ۲۰۰۶). شکل‌گیری هویت فرد را برای چالش‌های مهم در جوانی مثل ایجاد صمیمیت و مشارکت در روابط با دیگران آماده می‌سازد. اریکسون این استدلال را مطرح می‌کند که فرد بعد از تثبیت حس معقولانه هویت می‌تواند صمیمیت بالیده و حقیقی را با شخص دیگری تجربه کند، زیرا که برای شروع یک رابطه نزدیک بین دو نفر باید ابتدا هویت هر یک شکل گیرد. بدون صمیمیت افراد قادر نخواهند بود خود را به یک پیوند استوار متعهد سازند (مونتگومری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). هویت در واقع کارکرد خودتنظیمی دارد هویت با ارائه حس انسجام، تداوم و پایداری، ایجاد هماهنگی میان ارزش‌ها و انتخاب‌ها، حس یکپارچگی بین گذشته،

---

.Berzonsky  
. Montgomery

حال و آینده و نیز ایجاد هدف نقش کلیدی در سازگاری ما دارد (لیوکس، لنز، اسمیت و گوسنز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) هویت با انواع متفاوتی که می‌تواند داشته باشد نقش اساسی در سازگاری ما در روابط بین فردی ایفا می‌کند یک از این روابط که می‌تواند مهم‌ترین نوع رابطه برای فرد باشد روابط بین زوجین است، در پژوهش‌های قبلی مشخص شده است که شباهت‌های هویتی با رضایت زناشویی بیشتر رابطه دارد و هویت‌های بهنجار و ایمن با سازگاری بیشتری در زندگی همراه است (آیالا، دالوه<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

تعارضات زناشویی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد مشکلات و پیامدهای منفی در بین زوجین است که می‌تواند منجر به طلاق شود که در صورت وجود فرزند، این ضلع سوم رابطه هم از آسیب‌های تعارضات زناشویی در امان نخواهد ماند و آسیب‌پذیری بالایی برای انواع اختلالات روان‌پزشکی و جسمی را پیدا خواهد کرد (فرانکل<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). بر همین اساس با توجه به ضرورت شناخت هر چه بیشتر عوامل مرتبط با تعارضات زناشویی، در این پژوهش بر آن شدیم تا نقش رگه‌های شخصیت و سبک‌های هویتی را در رابطه با تعارضات زناشویی مشخص کنیم. در همین راستا در پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به فرضیات زیر هستیم:

آیا بین سبک‌های هویت و تعارضات زناشویی رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا بین تیپ‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا بین سبک‌های هویت و تیپ‌های شخصیتی رابطه‌ای وجود دارد؟

## روش پژوهش

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کل کارکنان متأهل سازمان وزارت نیرو و سازمان‌های وابسته منطقه غرب تهران که در محدوده

۱. Luyckx, Lens, Smits, Goossens

۲. Ayala & Dalouh

۳. Frankel

سنی ۲۰-۴۰ بودند را تشکیل داد، برای انتخاب نمونه موردنظر از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است که ۱۲۰ نفر (۶۰ مرد، ۶۰ زن) با لحاظ کردن معیارهای ورود و خروج به پژوهش شامل عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی، زندگی مشترک، حداقل گذراندن یک سال زندگی مشترک و رضایت آگاهانه وارد پژوهش گردیدند، در روند اجرای پژوهش، پژوهشگران حضور فعال داشتند تا از پاسخ‌های تصادفی جلوگیری و هرگونه سؤال آزمودنی را پاسخ دهند. از پرسش‌نامه‌ای زیر جهت گردآوری اطلاعات استفاده گردید:

پرسش‌نامه سبک هویت برزونسکی: این پرسش‌نامه ابتدا به وسیله برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، در امریکا طراحی شد و پس‌از آن دوباره مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسش‌نامه حاوی ۴۰ گونه است که ۱۱ گونه آن به سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ گونه به سبک هویت سردرگم / اجتنابی و ۹ گونه به سبک هویت هنجاری اختصاص دارد. همچنین برای مقیاس تعهد ۱۰ گونه منظور شده است (برزونسکی، ۲۰۰۳). ضریب آلفای کرون باخ را برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۸، سبک هنجاری ۰/۶۱، سبک سردرگم / اجتنابی ۰/۷۸ و برای تعهد ۰/۸۰ گزارش شده است. برزونسکی (۲۰۰۴) برای بررسی روایی این پرسش‌نامه، وایت، وامپلر و وین (۱۹۹۸) پاسخ‌های افراد را در سه سبک هویتی با روش تحلیل عاملی با استفاده از چرخش واری‌ماکس با مؤلفه اصلی بررسی کردند. ضریب همبستگی بین عوامل به‌دست‌آمده به ترتیب عامل اول ۰/۷۹، عامل دوم ۰/۸۱ و عامل سوم ۰/۸۴ به دست آمد که همگی بالا هستند. آلفای کرون باخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه شخصیتی کاستا و مک کرا NEO-FFI (۱۹۸۶): شامل ۶۰ سؤال است که بر اساس تحلیل عاملی نمرات NEO-PI، به‌دست‌آمده است. این مقیاس شامل ۵ حوزه اصلی است که دربردارنده: I. روان‌گرایی ii) N. برون‌گرایی iii) E. انعطاف‌پذیری (O) iv. دل‌پذیر بودن v) A. وجدان‌مندی (C). کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرون باخ بین ۰/۶۸

(برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان آزرده گرایی) را گزارش کرده‌اند. هلدن (۱۹۹۹) نیز ضریب آلفای این ۵ عامل را در دامنه ۰/۷۶ (برای گشودگی) تا ۰/۸۷ (برای روان آزرده گرایی) گزارش می‌کند. پرسش‌نامه NEO-FFI در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسش‌نامه با استفاده از روش آزمون-آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۸۳، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ برای عوامل N E.O.A. C به دست آمده است، همچنین آلفای کرون باخ این پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۸۲ به دست آمده است.

پرسش‌نامه تعارضات زناشویی: این پرسش‌نامه، یک ابزار خود گزارش دهی و شامل ۴۲ سؤال است که توسط براتی و ثنایی (۱۳۷۵) ساخته شده و اصول برای شناسایی ماهیت و میزان تعارض در روابط زناشویی مورداستفاده قرار می‌گیرد. این پرسش‌نامه ۷ بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. آلفای کرون باخ برای کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۵۳ محاسبه شده است و برای ۷ خرده مقیاس به این شرح است: کاهش همکاری ۰/۳۰، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۳، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۶۰، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر ۰/۶۴، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۴، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱ است (ثنایی، ۱۳۷۹). در پژوهش حاضر آلفای کرون باخ این پرسش‌نامه ۰/۸۱ به دست آمد.

### یافته‌ها

همه افراد دارای تحصیلات بالای دیپلم بودند و بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات

لیسانس بود. حدود ۳۴,۲ درصد از گروه نمونه در رده سنی ۲۸-۳۳ بودند که بیشترین فراوانی را داشتند و کمترین فراوانی در رده سنی ۳۷-۴۱ مشاهده شد که ۱۶,۶ درصد از گروه نمونه را به خود اختصاص داده بود. از لحاظ درآمد ماهیانه نیز بیشترین فراوانی مربوط به درآمد ۱ تا ۲ میلیون تومان بود. بیشترین فراوانی مربوط به مدت ازدواج ۱ تا ۵ سال بود که ۳۹,۲ درصد را به خود اختصاص داده و کمترین میزان فراوانی در مدت ۲۰ تا ۲۵ که تنها ۴,۲ درصد از گروه نمونه را به خود اختصاص داده بود تعلق داشت. در جدول یک شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش مشاهده می‌گردد.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	
۱۱/۹۳۶	۳۶/۹۷	هویت اطلاعاتی
۹/۸۰۸	۳۰/۲۸	هویت هنجاری
۱۰/۵۶۱	۲۷/۷۲	هویت سردرگم
۹/۷۹۴	۱۷/۸۱	تعارضات زناشویی
۱۳/۴۲۹	۳۹/۳۵	گشودگی در برابر تجربه
۱۲/۹۲	۳۴/۴۶	وظیفه‌شناسی
۱۳/۴۷۲	۳۷/۳۶	برون‌گرایی
۱۱/۵۶۶	۳۳/۱۷	سازگاری
۱۱/۳۸۸	۳۲/۴۵	نوروز‌گرایی

در ادامه نتایج همبستگی متغیرهای پژوهش موردبررسی قرار گرفت که نتایج آن را در جدول دو مشاهده می‌کنیم.

جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

تعارضات زناشویی	نوروز گرایی	سازگاری	برون گرایی	وظیفه شناسی	گشودگی در برابر تجربه	گشودگی
-۲۳/۰*	-۲۸/۰*	۲۴/۰	۲۷/۰	۴۸/۰*	۱۰/۰	هویت اطلاعاتی
-۲۴/۰*	-۲۹/۰*	۲۸/۰	۲۳/۰*	۳۹/۰	۱۸/۰	هویت هنجاری
۲۲/۰*	۱۹/۰*	-۰۵/۰	-۱۵/۰	-۳۹/۰*	-۱۲/۰	هویت سردرگم
---	۲۹/۰	-۳۵/۰	-۲۶/۰	-۲۳/۰	-۲۵/۰	تعارضات زناشویی

\*: همبستگی در سطح ۰۵/۰ معنادار است.

نتایج ماتریس همبستگی نشان می دهد که هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری، گشودگی در برابر تجربه، وظیفه شناسی، برون گرایی و سازگاری همبستگی منفی با تعارضات زناشویی داشتند و هویت سردرگم و نوروز گرایی همبستگی مثبتی با تعارضات زناشویی داشتند.

همچنین نوروز گرایی با هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی منفی و با هویت سردرگم همبستگی مثبتی داشت؛ و نیز گشودگی در برابر تجربه، وظیفه شناسی، برون گرایی و سازگاری با هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی مثبت و با هویت سردرگم همبستگی منفی داشتند.

در ادامه پس از بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمیرنف، به منظور بررسی نقش سبک های هویتی و پنج عامل شخصیت در پیش بینی تعارضات زناشویی، از مدل رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شد. در روند اجرای هرکدام از مراحل مدل رگرسیون چند متغیره گام به گام، کلیه پیش فرض های موجود

(آزمون دوربین واتسن برای بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل و عامل تورم واریانس برای بررسی هم خطی) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از رعایت این پیش-فرض‌ها بودند. نتایج آزمون دوربین-واتسن (۸۱/۱) به منظور بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل (۰/۵۰) و عامل تورم واریانس (۱/۸۵) برای بررسی هم خطی متغیرهای پیش‌بین، بیانگر رعایت این مفروضه‌ها است.

جدول ۳ تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای تعارضات زناشویی بر اساس پنج عامل شخصیت

مدل	متغیرهای پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	df	ضریب F	β استاندارد	Beta	T	معنی‌دار
۱	سازگاری	۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۱۴	(۱)	۲۳/۱۴**	-۰/۳۶	-۰/۰۹	-۴/۹۶	۰/۰۰۰
۲	سازگاری و وظیفه‌شناسی	۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۱۹	(۱)	۱۸/۴۷**	-۰/۳۳	-۰/۰۸	-۳/۸۷	۰/۰۰۱
	سازگاری						-۰/۲۸	-۰/۰۵	-۳/۰۸	۰/۰۰۳
۳	وظیفه‌شناسی و نورو گرای	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۲۰	(۱)	۱۲/۴۲**	-۰/۲۷	-۰/۰۴	-۳/۰۹	۰/۰۰۳
	نورو گرای						۰/۱۳	۰/۰۳	۲/۱۴	۰/۰۳۴

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین سازگاری، وظیفه‌شناسی و نورو گرای ۰/۲۲ از واریانس متغیر تعارضات زناشویی را تبیین می‌کنند. در گام اول، سازگاری به تنهایی ۰/۱۴ از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین کرد که با اضافه شدن وظیفه‌شناسی و نورو گرای این ضریب تبیین به ۰/۲۲ رسید. ضرایب بتا برعکس افزایش ضرایب R<sup>2</sup>، در گام اول از ۰/۳۶- به ۰/۱۳- رسیده است. بر این اساس می‌تواند چنین استنباط کرد که بر مبنای ضرایب استاندارد رگرسیون (β)، از میان خرده مقیاس‌های پنج عامل شخصیت،

سازگاری با ضریب بتای ۰/۳۹- بیشترین سهم را در پیش‌بینی تعارضات زناشویی دارد و پس‌از آن وظیفه‌شناسی و نورو ز گرای قرار دارند.

جدول ۴ نتایج پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس سبک‌های هویتی را نشان می‌دهد. نتایج آزمون دوربین-واتسن (۲۳/۲) به منظور بررسی استقلال خطاها، آزمون شاخص تحمل (۰/۵۹) و عامل تورم واریانس (۱/۴۰) برای بررسی هم خطی متغیرهای پیش‌بین، بیانگر رعایت این مفروضه‌ها است.

جدول ۴ تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای تعارضات زناشویی بر اساس سبک‌های هویتی

مدل	متغیرهای پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	تعدیل شد	df	ضریب F	β استاندارد	Beta	T	معنی‌دار
۱	سبک هویت اطلاعاتی	۰/۴۳	۰/۲۲	۰/۲۶	(۱-۱۱۹)	۲۷/۴۳**	۰-/۴۶	-۶۳/۰	-۳۶/۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی، ۰/۲۲ از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می‌کند. ضرایب بتا برعکس افزایش ضرایب R<sup>2</sup>، ۰/۴۶- است. بر این اساس می‌تواند چنین استنباط کرد که بر مبنای ضرایب استاندارد رگرسیون (β)، سبک هویت اطلاعاتی با ضریب بتای ۰/۴۶- بیشترین سهم را در پیش‌بینی تعارضات زناشویی دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که از میان پنج عامل شخصیت، سازگاری، وظیفه‌شناسی و نورو ز گرای توانایی معناداری برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی داشتند که این یافته‌ها همسو با مطالعات قبلی (ایگبو و همکاران، ۲۰۱۵؛ هومبدا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳؛ امیری و همکاران ۲۰۱۱) است. در تبیین این یافته‌ها می‌تواند گفت که روان رنجور خویی در برابر ثبات هیجانی قرار می‌گیرد و طیف وسیعی از احساسات منفی از جمله اضطراب، غمگینی،

بدخلقی، تحریک‌پذیری و عصبیت را دربر می‌گیرد، هرن و میتچل<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) به بررسی ارتباطات پنج عامل بزرگ شخصیت و سبک‌های مقابله با استرس پرداختند و مشخص نمودند که همبستگی منفی بین روان رنجور خوئی و کاهش میزان سلامت عمومی وجود دارد. روان رنجور خوئی با تعارض زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد (دونلن<sup>۲</sup>، کانگر<sup>۳</sup> و بریانت<sup>۴</sup>؛ ۲۰۰۴؛ بارلدز، ۲۰۰۶؛ فیشر و مک نالتی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸) کاگلین، هوستون و هاوتس<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای ۱۳ ساله به این نتیجه رسیدند که قسمت اعظم رابطه بین روان رنجور خوئی و رضایت زناشویی مربوط به الگوهای ارتباطی منفی بین همسران است؛ یعنی افراد روان رنجور عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند. کتل اعتقاد داشت افراد روان رنجور کمرو بوده، به‌طور کلی از ابراز احساسات خود جلوگیری می‌کنند. او همچنین معتقد بود سطح پایین قدرتمندی ایگو را دارا هستند، به این معنی است که آن‌ها به‌آسانی مغلوب عواطفشان شده، تحت تسلط خلیقاتشان بوده و قادر به سازگار کردن رفتارشان با موقعیت‌های مختلف نیستند. فراتر از همه افراد روان رنجور، اضطراب زیادی را تجربه می‌کنند، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که اضطراب ایجاد می‌کند نگرانی و اضطراب عملکرد است که زمینه‌ساز بروز اختلالات اضطرابی می‌گردد (علی پور، محمدی، ۱۳۹۴). روان آزده خوئی دربردارنده انواع هیجان‌های منفی مانند ترس، غم، خشم و برانگیختگی است. این‌گونه افراد احتمال بیشتری دارد که دارای باورهای غیرمنطقی باشند و قدرت کم‌تری در کنترل امیال و تکانه‌ها داشته باشند. مطالعات جدیدتر نشان می‌دهند که خصوصیات روان آزده خوئی پیش‌بینی کننده افسردگی و ناپایداری هیجانی است

---

Haren and Mitchell  
donnelan  
conger  
bryant  
fisher & mcunlty  
Caughlin, Huston & Houts

(روبین، کاسپی و موفیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲) که همین پیامدها با سلامت روان ضعیف ارتباط دارد (علی پور، ۱۳۹۳). این نوع رفتارها موجب می‌شود که زوجها قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته باشند و از درجه سازش ضعیف‌تری برخوردار باشند. هر قدر میزان نوروز گرایبی در هر یک از زوجها بیشتر باشد رفتارهای تعاملی منفی بیشتری نسبت به همسر نشان می‌دهد و چنین رفتارهایی سازگاری زناشویی را کاهش می‌دهد (احدی، ۱۳۸۶).

پژوهش‌های زیادی به نقش شخصیت در رضایت زناشویی و نارضایتی زناشویی پرداخته‌اند و همگی به اهمیت شخصیت در ارتباطات زناشویی اذعان داشته‌اند. همسران وظیفه‌شناس کمتر ممکن است انتقاد از همسر را برانگیزانند که در نتیجه میزان و یا شدت تعارضات زناشویی را کاهش می‌دهد. وظیفه‌شناسی کمتر ایجاد تعارض می‌کند، چراکه این افراد عموم مسئولیت‌پذیر، مورد اطمینان و سخت‌کوش هستند (هولکین<sup>۲</sup>، مدنی و لواسانی، ۲۰۱۵)، این مدل شخصیتی با عواملی مانند پذیرش بالا می‌تواند منجر به توجه بیشتر به جنبه‌های مثبت همسر بشود و این خود عاملی در جهت افزایش رضایت زناشویی است، حتی این ویژگی با طلاق عاطفی کمتر نیز ارتباط دارد (تاواراس و آسوه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳).

سازگاری با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و با تعارضات زناشویی همبستگی منفی دارد همسو است. این عامل با خوش‌قلب بودن، دلسوز بودن، موجب و ساده‌دل بودن همراه است. افرادی که در این عامل نمره بالایی می‌گیرند دارای حس همکاری، کمک‌کننده، فداکار، درستکار و از خود گذشته‌اند. این افراد بیشتر سازگار هستند و مقبولیت، تعاون و اعتماد و بخشندگی را میان زوجین افزایش می‌دهد (دونلن و همکاران، ۲۰۰۴)؛ شخصیت به شالوده روان‌شناختی رابطه پایدار کمک می‌کند و پیش‌بینی‌کننده‌ی موفقیت یا شکست رابطه است، مشکلات شخصیتی جز پنجمین عامل طلاق است که توسط ۱۰

درصد افراد جدا شده به‌عنوان یکی از دلایل جدایی مطرح گردیده است (رادریگیوز، هال، بوفالو و فینچمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر توانایی پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس سبک هویت اطلاعاتی بود که همسو با مطالعات برزونسکی و آدامز، ۲۰۰۶؛ دانشورپور، غنایی، شکری و زین‌آبادی (۱۳۸۶) است سبک هویت اطلاعاتی با روابط بین فردی پخته‌تر همراه است که این ویژگی‌ها با دلپذیر بودن همراه‌اند. به‌علاوه از آنجا که تحقیقات انجام شده بر اساس مدل مارسیا نیز گزارش می‌کنند که وضعیت هویت موفق با افسردگی و اضطراب پایین (کرامر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰) و عزت‌نفس بالا (برزونسکی، ۲۰۰۳) همراه است در تبیین این یافته باید گفت افرادی که فرایندهای اطلاعاتی و هنجاری را به کار می‌گیرند، دارای تعهدات قوی‌تری نسبت به افراد دارای سبک هویت مغشوش/اجتنابی هستند، از طرفی افراد با وجدان نیز واجد صفاتی چون وظیفه‌شناسی و خویش‌داری و کفایت هستند. از آنجا که به نظر می‌رسد تعهد با این صفات ارتباط داشته باشد، بنابراین بالا بودن وجدان در افراد دارای دو سبک اطلاعاتی و هنجاری، خیلی دور از انتظار نیست افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، از آنجایی که فعالانه به جستجو و پردازش اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند، درگیر فرایند خود کاوشگری فعال هستند و گرایش به اندیشمند بودن دارند، در مورد مفاهیم مربوط به خود شکاک و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود گشوده هستند، سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد و صمیمیت اجتماعی اثر مستقیم مثبت و معنادار دارد و موجب کاهش تعارضات می‌شود (برزونسکی، ۲۰۰۳). سبک هویت اطلاعاتی ارتباط مستقیمی با رضایت زناشویی دارد (رفاهی، بهمنی، نیری و نیری، ۲۰۱۵).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌تواند به ابزار گردآوری داده‌ها، استان نمونه‌گیری و محدوده سنی اشاره کرد که امید است در پژوهش‌های آینده موردبررسی قرار گیرد. از

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در جهت ارائه مشاوره‌های تخصصی پیش از ازدواج و بعد از ازدواج بهره‌گرفت، بدین منظور پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های مداخله‌ای و مشاوره‌ای، سبک‌های هویتی و شخصیت به‌عنوان ملاک‌های مهمی در نظر گرفته شوند که لزوم توجه هر چه بیشتر را می‌طلبند

## منابع

- احدی، بتول (۱۳۸۶). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی. مجله روان‌شناسی معاصر. دوره دوم. شماره ۲، ۳۱
- ثنائی‌ذاکر، باقر. (۱۳۷۹)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت. حسینی نسب، داود. پور شریفی، حمید. محمدی، ویدا. (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با انواع هویت در دانش‌آموزان دختر سوم راهنمایی شهر تبریز سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹، مجله علوم تربیتی جهاد دانشگاهی، شماره ۶، تابستان
- دانشورپور، زهره. غنایی، زیبا. شکری، امید. رضا زین‌آبادی، حسن، (۱۳۸۶)، پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، سال دوم شماره ۷، پائیز ۱۳۸۶.
- گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت: کاربرد تحلیل عوامل در مطالعات شخصیت. تبریز: جامعه پژوه.
- محمدی، شهناز؛ مقصودی، منیژه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه استرس شغلی با رضایت زناشویی در کارکنان زن. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی. دوره سوم، شماره ۹، ۷۴-۸۷.
- محمدی، شهناز؛ محمود نیا، علیرضا. (۱۳۸۹). رابطه بین پنج عامل اصلی شخصیت و فرسودگی شغلی در میان مشاوران. دوره دوم، شماره ۴، ۹۸-۱۱۴

- محمدی، شهناز. (۱۳۸۶). ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت عمومی دبیران مرد و زن شهر تهران. روانشناسی کاربردی، (۳)، ۱: ۲۶۹-۲۸۴
- علی پور، فرشید. سعید پور، صابر. حسنی، جعفر. (۱۳۹۴). بررسی هیجان خواهی در افراد مبتلابه اعتیاد جنسی، اعتیاد به محرک‌ها، اعتیاد به مواد افیونی و افراد بهنجار. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۲۵ (۱۲۵): ۱۳۵-۱۳۸.
- علی پور، فرشید. محمدی، شهناز. (۱۳۹۴). نشخوار فکری و نشانه‌های اضطراب و افسردگی در سه گروه از افراد با اختلال لکنت زبان، اضطراب اجتماعی و بهنجار. مجله روانشناسی کاربردی (زیر چاپ).
- علی پور، فرشید. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی باورهای فراشناختی و تنظیم شناختی هیجان با سلامت روان در زنان دارای اختلال اعتیاد به مواد افیونی. مجموعه مقالات هشتمین کنگره بین‌المللی دانش اعتیاد. ۴۳-۴۱.

- Arbona, C., & Power, T. G. (2003). Parental attachment, self-esteem and antisocial behaviors among African American, European American and Mexican American adolescents. *Journal of counseling psychology*, 50(1), 40-51.
- Arciszewski, T., Berjot, S., & Fines, L. (2012). Threat of the thin- ideal body image self-discrepancies and behavioral intention. *Body image*, 5, 334-341.
- Bartholomew, k., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of personality and social psychology*, 61(2), 226-244.
- Bayrami, M., Heshmati, R., Mohammadpour, V., Gholomzadeh, M., Hasanloo, H., & Moslemifar, M. (2012). Happiness and willingness to communicate in three attachment styles: A study on college students. *Procedia- Social and behavioral sciences*, 46, 294-298.
- Borkoles, E., Polman, R., & Levy, A. (2010). Type D personality and body image in men: The role of exercise status. *Body image*, 7, 39-45.

- Chotai, J., Jonasson, M., Hagglof, B., & Adolfsson, R. (2005). Adolescent attachment styles and their relation to the temperament and character traits of personality in a general population. *European psychiatry*, 20, 251-259.
- Denollet, J., Vrints, C. J., & conraads, V. M. (2008). Comparing type D personality and older age as correlates of tumor necrosis factor- $\alpha$  dysregulation in chronic heart failure. *Brain, Behavior and Immunity*, 22, 736-743.
- Dhal, A., Bhatia, S., Sharma, V., & Gupta, P. (2007). Adolescent self-esteem, attachment and loneliness. *Journal of Indian Association for Child and Adolescent Mental Health*, 3(3), pp.61-63.
- Emmanuelle, V. (2009). Inter-relationships among attachment to mother and father, self-esteem and career indecision. *Journal of vocational behavior*, 75, 91-99.
- Emons, H. M. W., Meijer, R. R., & Denollet, J. (2007). Negative affectivity and social inhibition in cardiovascular disease: Evaluating type D personality and its assessment using item response theory. *Journal of psychosomatic research*, 63, 27-39.
- Gillath, O., Bunge, S. A., Shaver, P. R., Wendelken, C., & Mikulincer, M. (2005). Attachment- style differences in the ability to suppress negative thoughts: Exploring the neural correlates. *NeuroImage*, 28, 835- 847.
- Gomez, R., & McLaren, S. (2007). The inter- relations of mother and father attachment, self-esteem and aggression during late adolescence. *Aggressive Behavior*, 33, 160-169.
- Goossens, L., Braet, C., Bosmans, G., & Decaluwe, R. (2011). Loss of control over eating in preadolescent youth: the role of attachment and self- esteem. *Eating behaviors*, 12, 289-295.
- Huis in't veld, E.M.J., vingerhoets, A.D.J.J.M, & Denollet, J. (2011). Attachment style and self- esteem: the mediating role of type D personality. *Personality and individual Differences*, 50, 1099-1103.
- Martin, L. A., Doster, J. A., Critelli, J. V., Lambert, P. L., Purdum, M., Powers, C. et al. (2010). Ethnicity and Type D personality as predictors of heart rate variability. *International Journal of psychophysiology*, 76, 118-121.
- McCormick, C. B., & Kennedy, J. H. (1994). Parent- child attachment working models and self seteem in adolescence. *Journal of youth and adolescence*, 23(1), 1-18.

- Memmersteeg, P. M., Kupper, N., & Denollet, J. (2010). Type D personality is associated with increased metabolic syndrome prevalence and an unhealthy life style in a cross-sectional dutch community sample. *BMC Public Health*, 10, 2-11.
- Mols, F., & Denollet, J. (2010). Type D personality in the general population: A systematic review of health status, mechanisms of disease, and work related problems. *Health and quality of life outcomes*, 8(9), 2-10.
- Mols, F., Thong, M. S. Y., Van de poll-franse, L. V., Roukema, J. A., & Denollet, J. (2012). Type D (distressed) personality is associated with poor quality of life and mental health among 3080 cancer survivors. *Journal of affective disorders*, 136, 26-34.
- Muris, P., Meesters, C., Melick, V. M., & Zwambag, L. M. (2001). Self-reported attachment style, attachment quality, and symptoms of anxiety and depression in young adolescents. *Personality and Individual Differences*, 30, 809-818.
- Nofhle, E. E., & shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of research in personality*, 40, 179-208.
- Paterson, J., Pryor, J., & Field, J. (1995). Adolescent attachment to parents and friends in relation to aspects of self-esteem. *Journal of youth and adolescence*, 24(3), 365-376.
- Philip, J. C., & Gerald, M. (2009). *Personality psychology*. In M. Mikulincer & P. R. Shaver (Eds), *Attachment theory: II. Developmental, psychodynamic and optimal-functioning aspects* (pp. 247-257). Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- Pietromonaco, P.R., & Feldman Barrett, L. (2006). What can you do for me? Attachment style and motives underlying esteem for partners. 40, 313-338.
- Schiffer, A. A., Smith, O. R. F., Pedersen, S. S., Widdershoven, J. W., & Denollet, J. (2010). Type D personality and cardiac mortality in patients with chronic heart failure. *International Journal of cardiology*, 142, 230-235.
- Troisi, A., Alcini, S., Coviello, M., Nanni, R. C., & Siracusano, A. (2010). Adult attachment style and social anhedonia in healthy volunteers. *Personality and individual differences*, 48, 640-643.

- Van den broek, K. C., Smolderen, K. G., Pedersen, S. S., & Denollet, J. (2010). Type D personality mediates the relationship between remembered parenting and perceived health. *Psychosomatics*, 51(3), 216-224.
- Wilkinson, R. B. (2004). The role of parental and peer attachment in the psychological health and self-esteem of adolescents. *Journal of youth and adolescence*, 33(6), 479-493.
- Wongpakaran,T., wongpakaran,N., & wedding,D. (2012). Gender differences, attachment styles, self-esteem and romantic relationships in Thailand. *International Journal of interculturalRelations*, 36, 409-417.
- Wu, C. H. (2009). The relationship between attachment style and self-concept clarity: The mediation effect of self-esteem. *Personality and individual differences*, 47, 42-46.